مؤسسه واشنگتن در یک نشست کارشناسی قابلیت پهپادی ایران را بررسی کرده است

کابوس پهپادها برای امریکا

پرونده

مؤسسه واشنگتن اخیراً شاهد برگزاری یک نشست کارشناسی درباره اثرات توسعه فناوری پهپادی ایران بود که متن این جلسه روز ۲۰ آوریل ۲۰۲۳ منتشر شد. مدیر این نشست مایک آیزنشتات Mike Eisenstadt-مدیر برنامه امنیتی و نظامی مؤسسه واشنگتن- بود و مباحث آن، اهمیت این فناوری را در موقعیت نظامی ایران در منطقه نشان می‌دهد. روزنامه جوان بدون تأیید محتوای مطالب مطرح‌شده در این نشست به خصوص موضوعاتی که درباره نقش پهپادهایی ایرانی در جنگ اوکراین و اقدام علیه تأسیسات نفتی عربستان مطرح شده است، ترجمه‌ای خلاصه‌شده از آن را برای آگاهی کارشناسان و خوانندگان عزیز منتشر می‌کند.

جنگ‌افزارهای تهاجمی برد بلند و نقطه‌زن ایران در پنج سال گذشته به سرعت رشد کرده و هواپیماهای بدون سرنشین، در کانون این تحول قرار داشته است. پهپادهای ایرانی، امواج شوک‌آفرین راهبردی را در خلیج(فارس)، شامات و اخیراً هم اوکراین ایجاد کرد و به یک «تغییردهنده بازی» تبدیل شده‌اند. غلوآمیز نیست بگوییم برنامه پهپادی ایران، تأثیراتی راهبردی در خاورمیانه بر جای گذاشته است که شاخص آن حملات ۲۰۱۹ به زیرساخت‌های نفتی عربستان سعودی و حملات فوریه ۲۰۲۲ به امارات بود. در یک سال گذشته هم پهپادهای ایرانی، خساراتی قابل ملاحظه را به زیرساخت‌های حیاتی اوکراین وارد کرده‌اند. برای بحث درباره پیامدهای منطقه‌ای و جهانی برنامه پهپادی ایران و رویکردهای واکنشی ممکن در این زمینه، مؤسسه واشنگتن میزگردی را با شرکت این کارشناسان برگزار کرد. ژنرال بازنشسته کنث مکنزی Gen. Kenneth McKenzie Jr. فرمانده پیشین نیروهای امریکایی در خاورمیانه (سنتکام)، خانم والری لینسی Valerie Lincy مدیر اجرایی پروژه ویسکانسین در کنترل سلاح‌های هسته‌ای و ناظر وب‌سایت این پروژه به نام دیده‌بان ایران و دامین اسپلیترز Damien Spleeters معاون مدیر عملیات در مؤسسه «پژوهش جنگ‌افزارهای منازعه» CAR (Conflict Armament Research) در این نشست شرکت کرده‌اند.

■ مکنزی: ایران جنگ آتشباری خواهد کرد

پهپادها و موشک‌های کروز بخش‌هایی مهم از جنگ نامتقارن ایران هستند که از یک سو امکان انکار را برای مقام‌های ایرانی فراهم می‌کنند و از دیگر سو نیاز به فناوری چندان پیشرفته‌ای هم ندارند، حال آنکه سامانه‌های تسلیحاتی امریکا و متحدانش از فناوری‌های پیشتاز بهره می‌برند اما در زمینه پهپادها، چندان نیازی به فناوری‌های پیشتاز وجود ندارد و می‌توان با فناوری‌های قدیمی‌تر هم به آنها دست یافت اما پهپادها از درجه بالایی از انعطاف برخوردارند و این بسیار مهم است. بنابراین در ۱۰ سال گذشته، ایران ذخیره پهپادها، موشک‌های کروز و موشک‌های بالستیک خود را در حدی گسترده و انبوه افزایش داده است. برای آنکه دریابیم که پهپادها در یک جنگ محتمل در خاورمیانه چگونه به کار گرفته می‌شوند، باید به نقش دو سامانه دیگر هم توجه داشته باشیم. فهم اینکه چنین جنگی چه شکل و شمایلی خواهد داشت، برای طراحی هرگونه واکنش و پاسخی به آن ضرورت دارد. جنگ در خاورمیانه، یک جنگ مانوری نخواهد بود: تانک‌ها به صحنه نخواهند آمد، نیروی زمینی به حرکت نمی‌آید، هیچ‌کس به دیگری یورش (زمینی) نمی‌برد، چون هیچ طرفی واقعاً از یک ارتش اعزامی (expeditionary military) برخوردار نیست، به ویژه ایران که چنین نیروی نظامی‌ای ندارد. به جای آن از «جنگ آتشبار» استفاده می‌شود که در آن پهپادها، موشک‌های کروز و موشک‌های بالستیک علیه اهداف نظامی و نیز غیرنظامی به کار گرفته می‌شوند.

ایران به صورت سیستماتیک، توانایی خود را در این سه زمینه ارتقا داده است تا جایی که اکنون که به بهار ۲۰۲۳ رسیده‌ایم، آنها عملاً به یک توانایی برتر نسبت به همسایگان‌شان دست یافته‌اند و منظور از توانایی برتر این است که به کشور هدف به شکلی حمله شود که سامانه‌های دفاعی آن کشور لبریز و اشباع شده است تا جایی که نتوانند از حملات بعدی جلوگیری کنند. در اینکه این حمله اولیه در مراحل بعدی چگونه دنبال شده و گسترش یابد هم، زمینه‌ای است که ایران گزینه‌های متنوعی را دارد، برای اینکه ترکیبی از جنگ‌افزارهای هوایی را فراهم کرده است. مثلاً در موج بعدی می‌توان از پهپادها برای انهدام سامانه‌های پاتریوت استفاده کرد. صادقانه بگوییم که این سامانه‌ها به خوبی ارتقا نیافته‌اند که بتوانند سپری در برابر پهپادها باشند.

تمام تاریخ جنگ از حمله و دفاع شکل گرفته و امتیاز کنونی ایران، پهپادهای این کشور هستند؛ امتیازی که ما تا به اینجا نتوانسته‌ایم به طور کامل آن را چاره کنیم، بنابراین این جنگ یک جنگ آتشباری است که اهداف نظامی و غیرنظامی را مورد حمله قرار می‌دهد. این یک تفاوت چشمگیر در توانمندی ایران است و ایرانی‌ها ثابت کرده‌اند در این نوع حملات بسیار مؤثر و دقیق عمل می‌کنند، همانطور که در حمله به تأسیسات نفتی سعودی در پاییز ۲۰۱۹ نشان داده شد. همچنین حملات موشکی بالستیک ۲۰۲۰ آنها به نیروهای ما در پایگاه الاسد عراق، دقت بالایی داشت و موشک‌ها در فاصله چندده‌متری هدف‌ها اصابت کردند و تنها دلیلی که ما تلفات جانی نداشتیم این بود که فرصت داشتیم پیش از انجام حمله برخی جابه‌جایی‌ها را صورت دهیم اما ایرانی‌ها عملاً با دقت بالایی اهدافی را که در نظر گرفته بودند، مورد اصابت موشک‌های‌شان قرار دادند. من شخصاً احترام زیادی برای برنامه پهپادی، موشک‌های کروز و بالستیک ایران قائلم. در یک دهه گذشته، آنها فداکاری‌های بزرگی برای سرپا کردن این سامانه‌ها انجام داده‌اند. نظر شخصی من این است- و از طرف دولت امریکا هم صحبت نمی‌کنم- که این توانمندی‌ها، جواهرات ارزشمند خزانه نظامی ایران هستند. به نظرم اهمیت این توانمندی‌ها، از برنامه هسته‌ای ایران کمتر نیست چراکه برای عملیاتی ساختن توانمندی هسته‌ای نیاز به زمان دارند اما همین امروز می‌توانند اگر تصمیم بگیرند، صدمات بدی به همسایگان‌شان وارد کنند...

بنابراین شرایطی که ما اکنون در آن هستیم به این شکل است که در مرحله تازه‌ای از ظهور جنگ‌افزارها قرار داریم که آن برتری هوایی بی‌چون و چرایی که امریکا و متحدانش برای دورانی طولانی در این منطقه داشتند، دیگر بدون چالش نیست. آنها می‌توانند با پهپادها بر فراز منطقه پرواز کنند و ما نمی‌توانیم همیشه مانع شویم.

■ والری لینسی: تحریم‌ها بر توانایی پهپادی بی‌اثرند

نکته نخست اینکه باید اذعان کنیم تحریم‌ها و کنترل‌های صادراتی، نمی‌توانند توانایی ایران در ساخت پهپادها را از میان ببرند و چنین چیزی نباید به عنوان هدف تحریم‌ها و کنترل‌های صادراتی منظور شود. اولاً قطعات پهپادها وسیعاً در دسترس هستند و دوم هم اینکه برنامه پهپادی ایران به دلیل سرمایه‌گذاری سنگین در گذر زمان بسیار بالغ شده است. نهادهایی در وزارت دفاع و سپاه پاسداران هستند که کار طراحی و ساخت پهپادها را عهده‌دار هستند. همچنین شرکت‌های خصوصی زیادی در ایران هستند که کار تأمین نیاز نهادهای مورد اشاره را انجام می‌دهند. علاوه بر این، شرکت‌ها و افراد زیادی هم در خارج کشور هستند که به برنامه پهپادی ایران کمک می‌کنند. در دانشگاه‌های داخل ایران هم تحقیق و توسعه عمیق دانش‌بنیانی در زمینه پهپادها جریان دارد.

نکته دوم درباره دستاوردهای تحریم‌ها و کنترل‌های صادراتی است که هر چند صنایع دفاعی ایران را زمینگیر نکرده اما دسترسی آن به منابع را کاهش داده و برنامه‌های توسعه آن را به تأخیر انداخته است و با دشوارشدن دسترسی به تدارک قطعات از خارج کشور، هزینه‌های این برنامه‌ها را نیز بسیار افزایش داده است. منع دسترسی ایران به قطعات ساخت امریکا که عمدتاً هم قطعات الکترونیکی هستند، کار آسانی نیست. این قطعات کاربردهای تجاری متنوعی دارند و در نقاط مختلف جهان عرضه می‌شوند نه فقط توسط شرکت‌های سازنده بلکه توسط توزیع‌کنندگان در چین و دیگر کشورها که می‌توان مقادیر بزرگی از قطعات را از آنها خریداری کرد، پس راه بهتر این است که روی منع دسترسی ایران به قطعات بسیار مهمی تمرکز کنیم که از ارتقای برنامه پهپادی ایران به سطوح بالاتر جلوگیری می‌کند.

> ژنرال مکنزی: نظر شخصی من این است توانمندی‌های پهپادی ایران، جواهرات ارزشمند خزانه نظامی ایران هستند و اهمیت این توانمندی‌ها، از برنامه هسته‌ای ایران کمتر نیست چراکه برای عملیاتی ساختن توانمندی هسته‌ای نیاز به زمان دارند اما همین امروز می‌توانند اگر تصمیم بگیرند، صدمات بدی به همسایگان‌شان وارد کنند

■ اسپلیترز: من هم مانند مکنزی ستایش می‌کنم

من هم همانند ژنرال مکنزی می‌خواهم به نوعی ستایش خود را از نبوغ و تخصص (حرفه‌ای‌گری) که در برنامه تولید پهپادهای ایران به کار گرفته می‌شود، ابراز دارم، به ویژه در پهپادهایی که در اوکراین به کار گرفته می‌شوند و نمونه‌هایی که ما قبلاً در خاورمیانه مشاهده و ارزیابی کرده‌ایم. این پهپادها کاملاً پیچیده‌اند و به خوبی روی آنها فکر شده است. با توجه به نمونه‌های اندکی که در اوکراین در اختیار داشتیم، یعنی حدود ۲۰ پهپاد ایرانی، مشاهده کردیم که تنوع و حتی بهینه‌سازی قابل ملاحظه‌ای در این پهپادها وجود دارد و نشان می‌دهد افرادی در ایران هستند که به خوبی درباره این چیزها فکر می‌کنند و می‌توانند کارشان را به خوبی انجام دهند و از حیث فنی، کاملاً قابل ستایش هستند، اما در زمینه کنترل کیفیت، کاملاً بامزه است که این همه برچسب کنترل کیفیت روی هر قطعه‌ای از پهپادها زده شده بود، گویی ایرانی‌ها درباره برنامه پهپادی خود دچار نوعی وسواس کنترل کیفیت هستند و نیز برچسب‌هایی شبیه اینکه «اگر قطعه باز شود، گارانتی/وارانتی نخواهد داشت»، همین نشان می‌دهد که آنها نسبت به کنترل کیفیت پهپادهای‌شان بسیار جدی هستند.

■ مکنزی: چطور مقابله کنیم؟

در پاسخ به این سؤال که پیشرفت سامانه‌های دفاعی امریکا و کشورهای منطقه در چندسال اخیر چگونه بوده است و آیا می‌تواند به سطحی برسد که با چالش ایران مقابله کند(می‌گوید): اجازه دهید با حملات سپتامبر ۲۰۱۹ علیه تأسیسات آرامکو آغاز کنیم. در این حمله، ایرانی‌ها طراحی خوبی داشتند. آنها از نقاط استقرار سامانه‌های دفاعی هدف خبر داشتند. آنها درک عمومی درستی از وضعیت رادارها داشتند و قادر بودند مسیر پهپادها را نقطه‌گذاری Waypoint کنند، یعنی شیوه پروازی آنها را که می‌تواند انواع تغییر مسیرهای پیچیده را طی کند، به درستی انتخاب و هدایت کنند. آنها این کار را به خوبی انجام دادند. برخی روزها هست که «روز خوب» حریف شما به حساب می‌آید و آن روز، روز خوب ایرانی‌ها بود که یک حمله را بسیار خوب پیاده کردند. اکنون وقتی به عقب برمی‌گردیم و به همه انواع داده‌هایی که داریم نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم برخی سایت‌های راداری که در آن اطراف بودند، حمله را دیدند اما نمی‌دانستند که آن را چگونه تعبیر کنند چراکه برخی اوقات که پهپادها در ارتفاع پایینی حرکت می‌کنند، اپراتورهای یک سایت دوردست راداری، بلافاصله و در لحظه نمی‌دانند که آن را چگونه تعبیر کنند اما اینکه چگونه باید با اینگونه حملات مقابله کنیم به همان تدابیری بازمی‌گردد که پیش از این اشاره کردم. یک وقت هست که شما تلاش می‌کنید از اینکه حریف شما به نوع خاصی از سلاح دست یابد، جلوگیری کنید اما وقتی حریف شما آن سلاح را در اختیار دارد، باید از دیگر فرصت‌های‌تان استفاده کنید. ما نیازمند یک پوشش خوب و گسترده نظارت و ردیابی هوایی هستیم با رادارهای خوب و مناسب. توانایی رادارهای خطی مستقر در زمین محدودیت دارد، بنابراین به رادارهای هوایی هم نیاز است که بتوانند به زمین نگاه کنند و انعطاف و قدرت تفکیک بیشتری داشته باشند. می‌شود این کار را انجام داد اما این یک راه‌حل بسیار گران است.

منبع: مؤسسه واشنگتن- مجری پادکست
۲۰ آوریل ۲۰۲۳
ترجمه: معاونت مطبوعاتی

اروپا تجربه اوکراین را در تایوان تکرار نمی‌کند

رویکرد

حنیف غفاری*

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه اواسط فروردین ماه پس از دیدار با شی جین پنگ، رئیس‌جمهور چین اذعان کرده است اروپا قصد ندارد در بحران تایوان که اساساً ارتباطی نیز با آن ندارد، ورود پیدا کند و به جزئی از هرگونه منازعه احتمالی تبدیل شود! فراتر از آن، مکرون خواستار برقراری سازوکاری برای استقلال مالی و امنیتی از ایالات‌متحده در نظام بین‌الملل شده است. چگونه چنین دغدغه‌ای به ذهن رئیس‌جمهور فرانسه خطور کرده است؟ آیا اظهارات مکرون منبعث از نگاه واقعی او به تحولات جاری در حوزه روابط بین‌الملل بوده یا پای مسئله دیگری در میان است؟ واقعیت این است که فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها، دو بازنده بزرگ جنگ اوکراین محسوب می‌شوند. مقامات امریکایی قبل از وقوع جنگ، به مقامات پاریس تضمین داده بودند رجزخوانی‌های صورت گرفته میان روسیه و ناتو در حوزه بازدارندگی نمود و عینیت دارد و به حوزه اقدام و نبرد تعمیم پیدا نخواهد کرد. اما اصرار غربی‌ها برای گسترش ناتو به شرق، منجر به واکنش جدی روس‌ها و وقوع جنگ شد. فرانسوی‌ها پس از آغاز جنگ حیرت‌زده شدند! ژنرال اریک ویدو، رئیس اطلاعات نظامی فرانسه به علت «ضعف سازمان تحت امر او در ارزیابی احتمال حمله روسیه به اوکراین» برکنار شد.

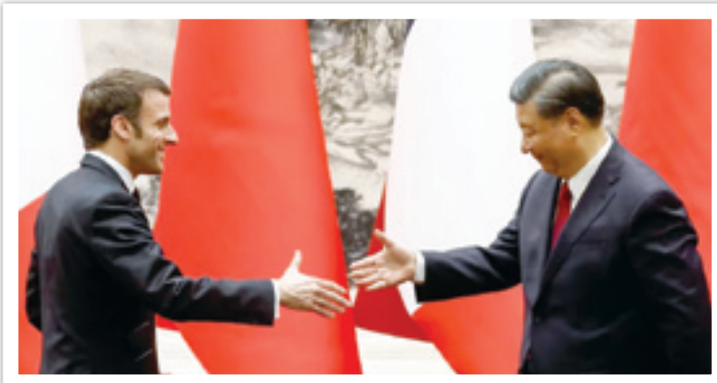

پس از آن، مقامات فرانسوی و آلمانی، با فشارهای زیادی از سوی امریکا و انگلیس(دو عضو دیگر ناتو) در خصوص لزوم امتیازگیری از روسیه در پیمان صلح نهایی(که پس از جنگ منعقد خواهد شد) مواجه شدند. اگرچه بسیاری از سیاستمداران، نظامیان و تحلیلگران مسائل امنیتی به کاخ الیزه و دولت آلمان در خصوص همراهی با این بازی خطرناک امریکا هشدار و فرسایشی شدن جنگ را به مثابه خطری بلندمدت برای اروپا مورد ارزیابی قرار دادند، اما پیوند و تعلق امنیتی پاریس و برلین به واشنگتن، مانع از تبلور عقلانیت در سیاست‌های این دو بازیگر اروپایی شد. اکنون با فرسایشی شدن نبرد، آلمان و فرانسه بیشتر از امریکا در معرض بحران‌های اقتصادی، امنیتی و نظامی ناشی از جنگ اوکراین قرار گرفته‌اند. فراتر از آن، مقامات اروپایی ناچار هستند پس از پایان جنگ نیز تبعات ناشی از حفظ مؤلفه‌های بازدارنده (در قبال احتمال تکرار وقوع مناقشه) را نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی خود بپردازند. در چنین شرایطی مکرون خود و کشورش را بازنده‌ای مطلق در جنگ اوکراین می‌بیند. در حقیقت، سخنانی که رئیس‌جمهور فرانسه در دیدار با رئیس‌جمهور چین بر زبان رانده است، صرفاً ناظر بر بحران تایوان نیست! او در قالب این سخنان خواسته نارضایتی خود را از معامله‌ای که واشنگتن با پاریس در جنگ اوکراین صورت داده است، نشان دهد. در مقابل، مقامات امریکایی درصدد خلق نوعی بحران امنیتی دامنه‌دار و مزمن در تایوان هستند. در اینجا، متحدان امریکا در شرق آسیا مانند استرالیا و فیلیپین، نقش بازوان امنیتی واشنگتن را در تقابل با پکن ایفا می‌کنند.

مقامات چینی بارها اعلام کرده‌اند واشنگتن و شبکه پیرو آن در شرق آسیا، بابت مداخله‌گرایی در تایوان و دریای چین جنوبی هزینه‌های بسیار سختی را پرداخت خواهند کرد. در چنین شرایطی مقامات اروپایی به واسطه ارتباطات اقتصادی گسترده‌ای که با چین برقرار کرده‌اند، تقابل نظامی با چین(حتی به صورت غیرمستقیم و در قالب حمایت از دولت تایوان) را به مثابه نوعی خبط راهبردی و استراتژیک به شمار می‌آورند. تجربه جنگ اوکراین نیز به مقامات فرانسوی و آلمانی نشان داده همراهی با امریکا در راهبرد خطرناک «خلق بحران‌های منطقه‌ای در جهان» برای آنها پرهزینه و کم‌فایده است، بنابراین مواضع اخیر مکرون برگرفته از واقعیاتی است که طی سال‌های اخیر، خصوصاً پس از وقوع جنگ اوکراین در نظام بین‌الملل رخ داده است.

***دکترای روابط بین‌الملل**

دورنما

اوکراین در سراب ناتو

رهبران امریکا و دولت‌هایی مانند آلمان نمی‌خواهند با عضویت کی‌یف در ناتو تجربه جنگ اوکراین را به تجربه‌ای خطرناک‌تر بدل کنند

■ دکتر سیدرضا میرطاهر

مسئله عضویت اوکراین در ناتو از سوی سران اروپایی و امریکایی عضو ناتو از سال ۲۰۰۸ مطرح شده و به این ترتیب انگیزه دوچندانی به سران اوکراین برای پیگیری آن ایجاد کرده بود. سران کشورهای عضو ناتو در اجلاس بخارست در سال ۲۰۰۸ در راستای سیاست گسترش ناتو به شرق تصمیم خود را برای عضویت اوکراین و گرجستان- دو کشور در حوزه خارج نزدیک روسیه- اعلام کردند. از آن زمان به بعد این امر به ویژه عضویت اوکراین در ناتو به یکی از مسائل مورد اختلاف و تنش‌زای بین روسیه و ناتو تبدیل شد. از دیدگاه سران غرب‌گرای اوکراین، تحقق عضویت اوکراین در ناتو به معنای گامی مهم در راستای همگرایی اوکراین در بلوک غرب و نیز ایجاد تضمین امنیت کلیدی در مقابل تهدیدات خارجی به ویژه از جانب روسیه بود. به رغم وعده‌های متعدد غربی‌ها به اوکراین برای عضویت در ناتو و حتی تحریک آن در سال‌های اخیر برای برداشتن گام‌های عملی در این زمینه، مانند تصریح به لزوم عضویت اوکراین در متمم قانون اساسی این کشور، اما عملاً وحدت نظر و اجماعی در این باره بین اعضای ناتو وجود ندارد.

■ تحولات اخیر

آلمان و مجارستان به صراحت با ادعای «ینس استولتنبرگ» دبیرکل ناتو درباره اجماع کشورهای این ائتلاف نظامی برای به عضویت درآوردن اوکراین مخالفت کردند. استولتنبرگ در یکم اردیبهشت ۱۴۰۲ از اجماع کشورهای این ائتلاف نظامی برای به عضویت درآوردن اوکراین خبر داد و گفت: «اوکراین در آینده به ناتو می‌پیوندد، زیرا کشورهای ناتو روی عضویت آن توافق کرده‌اند.» این ادعا با واکنش فوری دو عضو اروپای غربی و اروپای شرقی ناتو، یعنی آلمان و مجارستان مواجه شد. بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع آلمان تصمیم سریع در مورد عضویت اوکراین در ناتو را رد کرد. پیستوریوس گفت: درها باز است، اما اکنون زمان تصمیم‌گیری نیست. اوکراین از وضعیت تصمیم‌گیری آگاه است. وزیر دفاع آلمان افزود: عضویت احتمالی اوکراین در ناتو یا اتحادیه اروپا در چهارمین نشست گروه تماس دفاعی اوکراین در پایگاه هوایی رامشتاین در جنوب آلمان در روز جمعه مورد بحث قرار نخواهد گرفت. ویکتور اوربان، نخست وزیر مجارستان نیز به ادعای دبیرکل ناتو درباره اجماع درباره پیوستن اوکراین به این ائتلاف نظامی، واکنش نشان داد. اوربان با اشاره به سفر ینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو به کی‌یف و ادعای وی درباره اینکه اوکراین در این ائتلاف نظامی «جایگاه مشروع و برحقی» دارد، درباره این موضوع ابراز تردید کرد. استولتنبرگ روز ۳۱ فروردین در سفری بدون برنامه‌ریزی به کی‌یف رفت. این نخستین حضور وی در پایتخت اوکراین از زمان شروع عملیات نظامی روسیه در اوکراین بود. او در نشست مطبوعاتی مشترک با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین از تداوم جریان کمک نظامی از کشورهای عضو ناتو به کی‌یف تمجید کرد و این کمک‌ها را «شاهدی بر تعهد درازمدت ناتو به اوکراین» خواند.

■ تداوم مخالفت‌ها

اختلاف‌های غربی‌ها درباره عضویت اوکراین در ناتو در نشست وزرای خارجه ناتو در بروکسل در اواسط فروردین ۱۴۰۲ نمایان شد. اکنون ابراز مخالفت دو عضو مهم ناتو در اروپا به عضویت اوکراین در این سازمان نظامی غربی نشان می‌دهد به رغم اصرار و پافشاری دولت غرب‌گرای کی‌یف، اوکراین راه درازی برای عضویت در ناتو در پیش دارد. این مسئله حتی با مخالفت امریکا نیز مواجه شده است. روزنامه فایننشال تایمز اواسط فروردین ۱۴۰۲ گزارش کرد که امریکا با پیشنهاد برخی کشورهای اروپایی برای ارائه «نقشه راه» عضویت اوکراین در ناتو در اجلاس آتی سران این سازمان نظامی مخالف است؛ موضعی که حاکی از اختلافات غرب درباره وضعیت اوکراین پس از جنگ است. امریکا خواهان حمایت نظامی، مالی و ارائه کمک‌های بشردوستانه به اوکراین است تا بتواند روسیه را عقب براند. واشنگتن معتقد است این مسئله باید در اولویت اجلاس سران ناتو در ویلنیوس لیتوانی قرار گیرد و صحبت از عضویت اوکراین در ناتو موجب دور شدن تمرکز کشورها از هدف مقابله با روسیه می‌شود. دولت بایدن همچنین نگران است تعمیق روابط با اوکراین باعث دامن زدن به روایت ولادیمیر پوتین درباره تقابل روسیه و ناتو شود و تنش‌ها با مسکو از جمله در زمینه تسلیحات هسته‌ای را شدت بخشد. این در حالی است که برخی اعضای ناتو که موضع تندی نسبت به روسیه دارند مانند لهستان و کشورهای حوزه بالتیک خواهان تعمیق روابط با کی‌یف و اظهارات روشن‌تر درباره عضویت آتی اوکراین در ناتو هستند، اما امریکا، آلمان و مجارستان با این تلاش‌ها مخالفند. این در حالی است که ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین هشدار داده است تنها در صورتی در اجلاس سران ناتو در لیتوانی در ژوئیه ۲۰۲۳ شرکت خواهد کرد که راهکارهای ملموسی درباره عضویت کی‌یف در ناتو ارائه شود. دولت غرب‌گرای اوکراین پس از آغاز جنگ اوکراین خواستار تسریع در عضویت این کشور در ناتو و اتحادیه اروپا شده است.

هر چند اوکراین در زمان ریاست جمهوری ویکتور یوشچنکو، رئیس‌جمهور غرب‌گرای این کشور به شدت موضوع عضویت در ناتو را دنبال می‌کرد، اما با روی کار آمدن ویکتور یانوکویچ، رئیس‌جمهور روس‌گرای اوکراین، این مسئله به حالت تعلیق درآمد. با این حال پس از تحولات سال ۲۰۱۴ و برکناری یانوکویچ و روی کار آمدن دوباره یک دولت غرب‌گرا در اوکراین، مسئله عضویت این کشور در ناتو در دستور کار قرار گرفت. از دیدگاه سران اوکراین، تحقق این امر به معنای گامی مهم در راستای همگرایی اوکراین در بلوک غرب و نیز ایجاد تضمین امنیت کلیدی در مقابل تهدیدات خارجی به ویژه از جانب روسیه بود. به رغم وعده‌های متعدد غربی‌ها به اوکراین درباره عضویت در ناتو و حتی تحریک آن در سال‌های اخیر برای برداشتن گام‌های عملی در این زمینه مانند تصریح بر لزوم عضویت اوکراین در متمم قانون اساسی این کشور، اما عملاً وحدت نظر و اجماعی در این باره بین اعضای ناتو وجود ندارد.

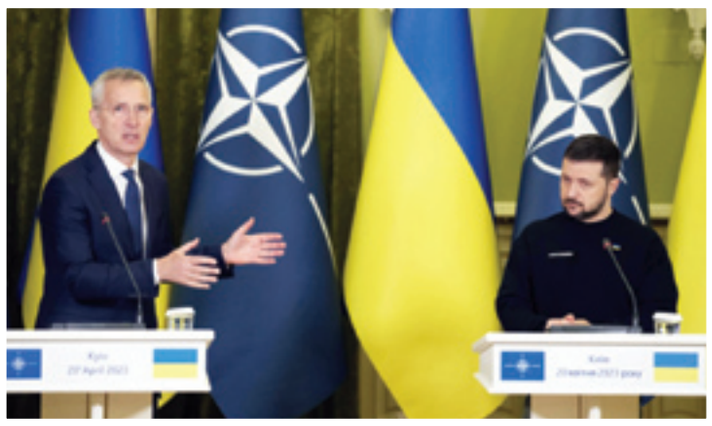

> امریکا با پیشنهاد برخی کشورهای اروپایی برای ارائه «نقشه راه» عضویت اوکراین در ناتو در اجلاس آتی سران این سازمان نظامی مخالف است، زیرا اعتقاد دارد که موجب دور شدن تمرکز کشورها از هدف مقابله با روسیه و دامن زدن به روایت پوتین درباره تقابل روسیه و ناتو می‌شود

■ خلف وعده

امتناع کشورهای اصلی ناتو به ویژه امریکا و آلمان از مطرح کردن موضوع الحاق اوکراین به این سازمان نظامی غربی در نشست آتی سران ناتو در لیتوانی برخلاف وعده‌های متعددی است که به دولت کی‌یف در این زمینه داده شده است. مسئله عضویت اوکراین در ناتو انگیزه دوچندانی به سران اوکراین برای پیگیری آن ایجاد کرده بود. این مسئله از دلایل مهم و در واقع زمینه‌ساز جنگ روسیه و اوکراین بوده است. روسیه این اقدام را که همواره غربی‌ها مشوق آن بوده‌اند، تهدیدی جدی علیه امنیت ملی خود تلقی می‌کند. «الکساندر وندیکتوف» معاون دبیر شورای امنیت ملی روسیه می‌گوید: به طور یقین کی‌یف می‌داند این امر یعنی عضویت اوکراین در ناتو به جنگ جهانی سوم می‌انجامد. کشورهای عضو ناتو نیز اذعان دارند این اقدام به نوعی خودکشی به حساب می‌آید.

در جمع‌بندی به نظر می‌رسد یکی از دلایل عمده بروز جنگ اوکراین، اصرار دولت غرب‌گرای کی‌یف برای عضویت در ناتو بوده است. در حالی که روسیه بارها این امر را به منزله تهدیدی جدی علیه امنیت ملی خود اعلام کرده و حتی در دسامبر ۲۰۲۱ با ارائه پیشنهاداتی به ناتو و امریکا خواهان توقف این روند و نیز بازگشت نیروهای ناتو به مرزهای سال ۱۹۹۷ یعنی قبل از عضویت کشورهای اروپای شرقی و مرکزی در این سازمان نظامی شده بود. این در واقع آخرین اولتیماتوم مسکو به غرب بود و با بی‌اعتنایی و حتی موضع تهاجمی ناتو و امریکا، زمینه برای حمله روسیه به اوکراین برای جلوگیری از تحقق سناریوهای مدنظر غرب در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ فراهم شد. اکنون در پانزدهمین ماه جنگ اوکراین و وارد آمدن خسارات جدی انسانی و مادی به اوکراین و امتناع ناتو از قرار دادن خواسته کی‌یف، یعنی عضویت در ناتو در دستور کار نشست سران ناتو در لیتوانی، مشخص شده اتکا به وعده‌های امریکا، ناتو و تقابل با روسیه تا چه حد اشتباه بوده است.